



## فعالیت‌های سیاسی شیخ محمد خیابانی

پس از پیروزی انقلاب مشروطیت در سال 1285 و تأسیس انجمن ایالتی آذربایجان در تبریز، زندگی شیخ محمد خیابانی وارد مرحله جدیدی شد. شیخ محمد خیابانی از اعضای برجسته انجمن بود و از ارکان فکری و رهبری آن به شمار می‌رفت و در هدایت انجمن نقشی مهم داشت.....

پس از پیروزی انقلاب مشروطیت در سال 1285 و تأسیس انجمن ایالتی آذربایجان در تبریز، زندگی شیخ محمد خیابانی وارد مرحله جدیدی شد. شیخ محمد خیابانی از اعضای برجسته انجمن بود و از ارکان فکری و رهبری آن به شمار می‌رفت و در هدایت انجمن نقشی مهم داشت.

او با لباس روحانی و تفنگ بر دوش در سنگرها به دفاع از شهر و ناموس و حیثیت مردم مسلمان در مقابل سپاه متجاوز عین‌الدوله می‌پرداخت و با مبارزان و مجاهدان در سنگرها می‌خوابید و به آنان دلگرمی می‌داد و بر مقاومتشان می‌افزود و راه آینده را روشن می‌کرد؛ «پاران من! ما ضد حکومت ارتجاعی و استبداد قیام کرده‌ایم... هرگز نباید به خستگی و یأس تن در دهیم، به خصوص وقتی که بار سنگین زندگی ملتی از مویی باریک آویزان شده باشد... طوری رفتار کنید که شرافت تاریخی ما حاصل شود و قاطبه ملت ایران با امتنان و تشکر بگویند که تبریز، ایران را نجات داد.»

در انتخابات دور دوم مجلس شورای ملی که پس از خلع محمد علی شاه از حکومت برگزار شد، شیخ محمد خیابانی که میان مردم محبوبیت چشمگیری داشت، به همراه میرزا اسماعیل نوبری، نماینده دیگر مردم تبریز، راهی مجلس شورا شد. مجلس دوم در 24 آبان 1288 گشایش یافت و در سیام آبان به صورت رسمی آغاز به کار کرد.

خیابانی پس از ورود به مجلس، خود را ادامه‌دهنده راه شهدای انقلاب مشروطیت می‌دانست و در کنار نمایندگانی همچون آیت‌الله مدرس در مبارزه با استبداد داخلی و نفوذ خارجی از هیچ کوششی فروگذار نمی‌کرد.

از جمله کارهای ارزشمند شیخ محمد خیابانی در دور دوم مجلس شورای ملی، اعتراض شجاعانه و متمر ثمر او علیه اولتیماتوم استعمارگران دولت تزار روس بود.

در این اولتیماتوم چنین آمده بود:

«1- دولت ایران، مستر شوستر، خزانه‌دار و مستر لکوفر را از کارها برکنار نماید.

2- دولت ایران، متعهد شود که از این پس، بدون اطلاع و رضایت روسیه و انگلیس، مستشار از کشورهای خارج استخدام نکند!

3- مخارجی را که دولت روس برای لشکرکشی به خاک ایران (رشت و انزلی) تحمل کرده، باید توسط ایران پرداخت شود!

دولت روس و انگلیس برای دریافت جواب فقط 48 ساعت مهلت می‌دهند و در صورتی که دولت ایران متن اولتیماتوم را قبول نکند و تسلیم نشود، سالدات‌ها و قزاق‌های روس به سوی قزوین پیشروی خواهند کرد و ایران را به اشغال خود درخواهند آورد! و در صورت پرداخت نکردن مخارج، مبلغ آن دو برابر خواهد شد.»

مقاومت سرسختانه شیخ محمد خیابانی در برابر تصویب این التیماتوم، موجب شد تا مجلس این التیماتوم را رد نماید. در تاریخ 24 آذر ماه 1290 سفارت روس به دولت ایران (دولت موقت ناصر الملک) خبر داد که سپاه روس در قزوین گرد آمده است، اگر تا شش روز دیگر، همه خواسته‌های روس‌ها پذیرفته نشود، آهنگ تهران خواهند کرد!

در 29 آذر ماه مجلس تشکیل جلسه داد. باز هم خیابانی و دیگر نمایندگان سخنرانی کردند و به رد اولتیماتوم رأی دادند.

دولت موقت ناصرالملک در روز دوم دی ماه، نشستی با حضور هیأت وزیران و نمایندگان سازشکار مجلس تشکیل داد. وثوق‌الدوله، بستن در مجلس را پیشنهاد کرد. ناصرالملک بی‌درنگ این درخواست را پذیرفت و دستور انحلال مجلس را داد و اجرای فرمان به عهده رئیس شهربانی تهران واگذار شد. پس از انحلال مجلس، التیماتوم روس‌ها از سوی دولت پذیرفته شد.

دو ماه پس از تعطیلی مجلس دوم، شیخ محمد خیابانی به مشهد مسافرت کرد و پس از زیارت امام هشتم، راهی روسیه شد. در جمهوری ترکمنستان، آذربایجان، گرجستان و داغستان بسیاری از واقعیت‌ها را به چشم دید؛ در آذربایجان، کارگران ایرانی را دید که به سبب نبودن کار مناسب در کشور خودشان، سرگردان و دور از وطن می‌گشتند و در ازای دستمزدی کم، سنگینترین کارها را انجام می‌دادند.

دلیل سفر شیخ محمد خیابانی به روسیه این بود که پس از انحلال مجلس، صمد خان شجاع‌الدوله به درخواست روس‌ها،

حاکم تبریز شده و محل انجمن ایالتی را ویران و بسیاری از آزادیخواهان را قتل‌عام کرده بود و منتظر خیابانی و همکاران و همفکرانش نیز بود. اگر خیابانی از تهران یا مشهد، به تبریز برمی‌گشت، بی‌شک به دست جلادان صمدخان گرفتار و کشته می‌شد.

زمانی که شیخ محمد خیابانی بدون اطلاع قبلی، وارد تبریز شد، پس از مدتی زندگی مخفیانه با مشورت دوستان نزدیکش مقرر شد تا حضور ایشان در تبریز به آگاهی شجاع الدوله رسانده شود. حاکم تبریز که در مقابل کار انجام شده واقع شده بود، با توجه به اوضاع تبریز و ترس از قیام مردم در صورت برخورد با شیخ محمد خیابانی، پذیرفت حکمی مبنی بر مصونیت خیابانی، مشروط بر این که جز به امامت جماعت و کار و تجارت نپردازد، صادر کند.

در مهر ماه سال 1293؛ تاریخ مصرف شجاع الدوله برای روسها به پایان رسید و از کار برکنار شد و آزادی تا حدودی به تبریز بازگشت و پس از آن با ظهور انقلاب اکتبر روسیه، روسها نیز تبریز را ترک کردند.

در این شرایط خیابانی از آزادی نسبی ایجاد شده استفاده کرد و دوستان آزادیخواه و مبارزش را - که اغلب دمکرات نامیده می‌شدند - گرد آورد و کمیته‌ای تشکیل داد. سپس همه نمایندگان دمکرات و آزادیخواه را از سراسر آذربایجان به تبریز دعوت و کنفرانسی برگزار کرد. در این کنفرانس استانی، حدود چهار صد و هشتاد نفر شرکت داشتند. تشکیلات فرقه دمکرات، که پنج سال پیش تعطیل شده بود، دوباره راه‌اندازی شد. در همان کنفرانس، انتشار روزنامه «تجدد» ارگان تشکیلات دمکرات، مورد تصویب قرار گرفت و خیابانی، مدیر مسئول و صاحب امتیاز روزنامه شد. نخستین شماره تجدد در بیستم فروردین ماه 1296 انتشار یافت. شیخ در نخستین شماره تجدد، مقاله‌ای با نام «نور حقیقت خواهد تابید» نوشت و لزوم اجرای قوانین مشروطیت و احیای آن را بیان کرد.

در همان سال خیابانی به رهبری فرقه دمکرات آذربایجان برگزیده شد و فرقه دمکرات را توسعه داد و اصلاحات اساسی در آن ایجاد کرد. همگام با انتشار روزنامه تجدد و سرپرستی آن و درج مقالات، کارهای دیگری در راستای پیشبرد اهداف و تأمین آسایش مردم و تعیین والی برای آذربایجان کرد تا مردم را برای حرکت عظیم و همگانی آماده سازد. در آن سال، خشکسالی بود و با رسیدن زمستان، مردم دچار قحطی و فقر شدند. خیابانی با تشکیل کمیسیون آذوقه، اعانه، دارالمساکین و... توانست مشکلات مردم را از پیش پای بردارد و مردم را نجات دهد. او با گرانفروشی و احتکار فرصت‌طلبان مبارزه کرد.

در واپسین روزهای جنگ جهانی اول، در حالی که مردم تبریز با مشکلاتی چون قحطی و فقر شدید، سر در گریبان بودند، نیروهای دولت عثمانی (ترکیه) در ظاهر به بهانه تنبیه مسیحیان آشوری که با همکاری سالداتهای روس، مردم ارومیه را قتل و غارت کرده بودند و در حقیقت برای ضمیمه نمودن آذربایجان به خاک خود - برای جبران سرزمین‌های مستعمره از قبیل عراق و سوریه و... که از دست داده بود - و پیاده کردن سیاست‌های پان‌ترکیستی خود به خاک آذربایجان حمله کرده و به غارتگری تبریز پرداختند.

شیخ محمد خیابانی در برابر یورش آنان به پا خاست و پس از وارد کردن تلفاتی به عثمانی‌ها، ایشان به همراه برخی از هم‌زمانش توسط مهاجمان عثمانی دستگیر شده و بیش از دو ماه در ارومیه در اسارت و شکنجه آنان بود و پس از آن نیز حدود پانزده روز در شهر «قارص» زندانی بود. شیخ محمد خیابانی پس از آن از زندان قارص آزاد شده و به ایران بازگشت.

در مرداد ماه سال 1298 انتخابات مجلس چهارم آغاز شد. خیابانی با داشتن آرای چشمگیر حایز شرایط ورود به مجلس چهارم بود. در این روزها، دولت وثوق الدوله قرارداد 1919 را با دولت انگلیس بست که بر پایه آنریال، اختیار کامل امور گمرکی و نظامی ایران به دست انگلیسی‌ها می‌افتاد و ایران عملاً تحت‌الحمایه انگلیس قرار می‌گرفت.

با انتشار متن قرارداد 1919 موجی از اعتراض سراسر ایران را فراگرفت و مردم و علمای بزرگ آن زمان از جمله آیت‌الله مدرس به مخالفت با این قرارداد پرداختند.

فرقه دمکرات در تبریز به رهبری خیابانی علیه قرارداد 1919 وارد عمل شد و روزنامه تجدد نوشت: «تا زمانی که قرارداد به تصویب مجلس نرسیده، ورق پاره‌ای بیش نیست و اعتباری ندارد».

دولت ایران (وثوق الدوله) به خوبی می‌دانست چنانچه خیابانی در مجلس چهارم حاضر باشد، هیچ گاه مهر تأیید مجلس شورایی ملی زیر قرارداد 1919 نخواهد خورد. برای همین، در یک ترفند سیاسی انتخابات آذربایجان را برهم زد و در نتیجه در آن دوره نمایندگان آذربایجان به مجلس راه نیافتند.

شیخ محمد خیابانی که حاضر نبود به هیچ وجه قرارداد 1919 بر ایران تحمیل شود، به تهران سفر و تلاش کرد با برخی رجال سیاسی تبادل نظر کند تا زمینه‌های مخالفت با قرارداد فوق را آماده نماید، لیکن شرایط وفق مراد نبود. خیابانی در این سفر به علت سکوت بسیاری از صاحب‌منصبان در برابر این قرارداد و دیگر اقدامات دولت، پی برد، چرا که وثوق الدوله مبلغ شصت هزار تومان به عنوان حق سکوت به ایشان پیشنهاد نمود تا با گرفتن این مبلغ، کاری به کار دولت نداشته باشد. خیابانی پس از رد پیشنهاد یادشده و با ناامیدی تمام از اصلاح امور توسط حکومت مرکزی، به تبریز بازگشت.

همان گونه که پیشتر گذشت، نمایندگان آذربایجان نتوانسته بودند در دوره چهارم به مجلس شورایی ملی راه یابند. برای همین شیخ محمد خیابانی به تاریخ 22 اسفند 1298 شمسی در تبریز مجلس محلی را راه‌اندازی نمود. این مجلس در امور سیاسی و اجتماعی آذربایجان تصمیم‌گیری می‌نمود و مصوبات آن در روزنامه تجدد به آگاهی مردم می‌رسید.

## قیام شیخ محمد خیابانی

مردم تبریز نوزده سال 1299 را در وضعیتی متفاوت از سال‌های پیش گذراندند و در حالی که مردم تبریز هیچ نماینده‌ای در

مجلس شورای ملی نداشتند، هر روز خبرهای جدیدی از دخالت گسترده بیگانگان در ایران به گوششان می‌رسید و آنان را بیش از پیش نگران می‌ساخت. مردم تبریز منتظر فرصتی بودند تا خشم و نفرت خود را از رژیم حاکم و نفوذ بیگانگان در کشور نشان دهند.

روز سه‌شنبه، هفدهم فروردین ماه 1298، تعداد بسیاری از آزادیخواهان در حیاط ساختمان تجدد تجمع کرده بودند و خواستار دستور شیخ محمد خیابانی برای آزادی میر باقر از کلانتری نوبر بودند؛ میرزا باقر از یاران شیخ محمد خیابانی به سبب مخالفت با «ماژور بیورلینگ»، رئیس شهرداری تبریز که فردی خارجی بود و از طرف وثوق الدوله منصوب گشته بود، زندانی شده بود. شیخ محمد خیابانی با دیدن خشم و خروش مردم دستور آزادی میر باقر را صادر کرد و تعدادی از آزادیخواهان با حمله به کلانتری نوبر، موفق به آزادی او شدند و مأموران کلانتری نتوانستند کاری از پیش برند.

بامداد هفدهم فروردین 1299 در تبریز، یکی از باشکوه‌ترین قهرمانی‌های تاریخ ایران ترسیم و بازار تعطیل شد. شعارهای ضد دولت وثوق‌الدوله و مزدورانش، در فضای شهر طنین افکنده بود. دانش‌آموزان مدارس، به حالت راهپیمایی در ساختمان و اطراف ساختمان تجدد گرد آمدند. مردم آزادیخواه، مسلمان و قهرمان تبریز به اشاره پیشوای مذهبی خود شیخ محمد خیابانی به شهرداری ریخته، آزادیخواهان بازداشت شده را از زندان نجات دادند. ادارات شهر همه به دست آزادیخواهان افتاد. شیخ به مأموران وثوق‌الدوله در تبریز اخطار کرد که هر چه زودتر تبریز را ترک گویند و آنان چهارشنبه شب، تبریز را به قصد تهران ترک کردند.

بدین ترتیب در کمترین فرصت ممکن، تبریز از مأموران دولت وثوق الدوله خالی شد و اداره شهر به دست خیابانی و یارانش افتاد. در روز پنجشنبه، خیابانی هیأت مدیره‌ای را برای اداره اجتماع مردم و تصمیم‌گیری‌های لازم، برگزید. این هیأت، در همان روز، بیانیه‌ای به زبان فارسی و فرانسه نوشته و به دیوارهای شهر آویخت:

«آزادیخواهان شهر تبریز در مقابل تمایلات ارتجاعی برخی افراد ضد مشروطیت که در حکومت‌های محلی و در مرکز ایالت آذربایجان ظهور کرده بود، به هیجان آمده و دست به اعتراض و قیام زدند. آزادیخواهان تبریز اعلام می‌کنند که برنامه آنان عبارت است از تحصیل اطمینان کامل در احترام به قانون اساسی و اجرای صادقانه آن. آزادیخواهان موقعیت فوق‌العاده حساس فعلی را در نظر گرفته و مصمم هستند که نظم و آسایش را به هر وسیله که باشد، برقرار دارند. برنامه آزادیخواهان در دو عبارت خلاصه می‌شود:

1- برقرار داشتن آسایش عمومی

2- از قوه به فعل آوردن رژیم مشروطیت»

قیام مردم تبریز به رهبری شیخ محمد خیابانی تا شهریور ماه همان سال ادامه داشت. در این مدت تلاش‌های فراوانی از ناحیه دولت مرکزی برای شکست قیام انجام شد که همه به شکست انجامید و خیابانی با سخنرانی‌های پر شور در حیاط ساختمان تجدد، تلاش می‌نمود روحیه انقلابی مردم را زنده نگه دارد.

در زمانی که تبریز به دست خیابانی اداره می‌شد، وثوق الدوله از نخست‌وزیری احمد شاه، عزل و مشیر الدوله به جای وی منصوب شد. نخست وزیر جدید برای شکست قیام شیخ محمد خیابانی، مهدی قلی خان هدایت، معروف به مخبرالسلطنه که در آن زمان تا حدودی چهره موجه و ملی داشت، برگزید و او بدون سرباز و محافظ وارد تبریز شد. مخبرالسلطنه در آغاز، تلاش کرد از طریق صحبت با دوستان خیابانی، او را از ادامه نهضت باز دارد، ولی خیابانی چون صلاح مملکت را در ادامه قیام می‌دید، اعتنایی به مخبرالسلطنه نکرد و از طرفی، گمان نمی‌کرد او قصد خیانت داشته باشد. مخبرالسلطنه چون از راه تزویر و مذاکره نتوانست خیابانی را از راهی که در پیش گرفته منصرف سازد، با رئیس قزاقخانه تبریز که یک کلنل روسی بود، گفت‌وگو کرده و پس از تیان، نقشه سرنگونی قیام مردم تبریز را طرح‌ریزی نمود.

سرانجام در صبح 21 شهریور 1299 که بسیاری از نیروهای مسلح خیابانی برای برچیدن اشرار محلی به اطراف تبریز رفته بودند و نیروی اندکی در شهر و اطراف عالی‌قاپور (مقر حکومت خیابانی و مرکز قیام) مانده بود، قزاق‌های مسلح به دستور کلنل روسی و مخبرالسلطنه، به شهر ریختند و نیروهای شیخ محمد خیابانی را یا کشتند یا خلع سلاح کردند و همه مراکز آزادیخواهان و ادارات را به تصرف خود درآوردند و عالی‌قاپور را از اختیار شیخ خارج نمودند.

پس از آن، قزاق‌ها به فرمان مخبرالسلطنه به خانه خیابانی ریختند، ولی پیش از این‌که به او دست بیابند، خیابانی از راه پشت بام به خانه همسایه‌اش، شیخ حسنعلی میانجی، پناهنده شده بود. شیخ حسنعلی پافشاری کرد که پیش مخبرالسلطنه برود و میانجیگری کند، ولی خیابانی نپذیرفت. تا اینکه بعد از ظهر 22 شهریور 1299، مخفیگاه خیابانی پیدا شد و با شلیک چند تیر به دست اسماعیل قزاق، در زیر زمین خانه شیخ حسنعلی میانجی به شهادت رسید. پیکرش را بیرون آوردند و در گورستان سید حمزه تبریز به خاک سپردند.

بدین ترتیب، قیام شیخ محمد خیابانی که از تاریخ هفدهم فروردین ماه 1299 آغاز شده بود، در تاریخ 22 شهریور ماه همان سال به پایان رسید.

## نتیجه‌گیری

با تأمل در زندگانی و قیام شیخ محمد خیابانی، می‌توان به چند نکته اساسی پی برد؛ نخست این که گستره نگاه ایشان کل ایران بود و برای همین ایشان در فکر اصلاح امور در تمام ایران بودند، لیکن از آنجایی که مقتضیات زمانی ایجاب می‌کرد، اصلاح امور آذربایجان را به عنوان جزئی از ایران در دستور کار خود قرار داده بودند و بدیهی است آنهایی که قیام شیخ محمد خیابانی

را اقدامی برای تجزیه ایران و یا حرکتی در راستای استقلال آذربایجان از ایران معرفی می‌کنند، سخت در اشتباه بوده و درحقیقت به آرمان ایشان خیانت می‌کنند.

شیخ محمد خیابانی، خود به این موضوع اشاره دارند: «با تمام مردم ایران دست به دست هم داده و کشور خود را از نابودی نجات خواهیم داد.» علاوه بر آن، ایشان در آخرین نطق خود چنین می‌گویند: «تبریز می‌خواهد حاکمیت به دست ملت باشد. تمام ایران فعلاً با زبان حال خود این را تقاضا می‌نماید. هرگاه تهران از قبول این نظریه سرپیچی کند، ما با اصول رادیکالیسم ایران را تجدید بنا خواهیم نمود. ما می‌گوییم حاکمیت دموکراسی باید در سراسر ایران جاری باشد. اهالی ایالات و ولایات باید رأی خود را آزادانه اظهار دارند. برای مدافعه این حق، آخرین مرحله مردن است و مردن در این راه را ما بر زندگی بی‌شرمانه ترجیح می‌دهیم.»

همان گونه که می‌بینیم، شیخ محمد خیابانی با الهام از مکتب امام حسین (ع) مرگ همراه با عزت را بر زندگی توأم با ذلت ترجیح داده و در صدد اصلاح امور در کل ایران است.

مطلب دوم آن که مهمترین شاخصه قیام شیخ محمد خیابانی، مخالفت جدی ایشان با دخالت و نفوذ بیگانگان در امور داخلی ایران است و در این راه به همه بیگانگان با یک چشم می‌نگریست و به نیت واقعی آنان آگاه نبود، برای همین، همان اندازه که با پذیرش اولتیماتوم روسیه مخالف بود، با قرارداد 1919 که منافع ایران را در اختیار انگلیسی‌ها قرار می‌داد نیز مخالفت می‌کرد و همان گونه که دیدیم در جریان حمله عثمانی‌ها به آذربایجان ایران که درصدد اجرای سیاست‌های پان‌ترکیستی خود بودند، نیز به مخالفت برخاسته و حتی زندانی شد.

برای همین، امروزه افراد و گروه‌هایی که با سرسپردگی به کشورهای بیگانه، خود را طرفدار مردم آذربایجان اعلام می‌کنند و بعضاً خود را وارث شخصیت‌هایی چون شیخ محمد خیابانی و ستارخان و باقرخان و... معرفی می‌کنند؛ باید به این نکته توجه داشته باشند که مهمترین ویژگی و بارزترین دلیل محبوبیت شخصیت‌هایی نظیر شیخ محمد خیابانی، در بیگانه‌ستیزی آنان خلاصه می‌شود.

البته سوءاستفاده از محبوبیت شیخ محمد خیابانی و قیام ایشان، مسبوق به سابقه است. در سال 1324 سران دولت روسیه که تلاش می‌کردند آذربایجان را از ایران جدا کنند، دستور دادند تشکیلاتی با عنوان فرقه دمکرات در تبریز تشکیل شود، چرا که می‌دانستند مردم تبریز از شیخ محمد خیابانی و یاران او که عموماً دمکرات نامیده می‌شدند، یاد‌های نیک دارند.

مطلب آخر این که انقلاب اسلامی ایران که حدود 58 سال پس از قیام شیخ محمد خیابانی به پیروزی رسید، در حقیقت، آرمان‌های ایشان و همه شهیدایی را که در راه استقلال و آزادی ایران جان خود را فدا کرده بودند، محقق ساخت. اگر مهمترین دغدغه خیابانی، مقابله با نفوذ و دخالت بیگانگان در امور ایران بود، جمهوری اسلامی ایران نیز از آغاز پیروزی خود، شعار «نه شرقی نه غربی» را سرلوحه سیاست خارجی خود قرار داد و تا به امروز در اجرای این اصل بنیادین خود، به هیچ قدرتی اجازه نداده است در امور داخلی ایران نقش‌آفرینی نماید.

اگر شیخ محمد خیابانی در آخرین نطق خود، خواستار حاکمیت کشور به دست ملت بود، امروزه در سایه انقلاب اسلامی ایران همه مسئولان مملکتی، مستقیم یا غیر مستقیم با مراجعه به آرای مردم انتخاب می‌شوند و اگر شیخ محمد خیابانی به دنبال جاری کردن اصول دموکراسی در سراسر ایران بود، امروزه ملت ایران، مردم‌سالاری دینی را به عنوان بهترین نوع دموکراسی تجربه کرده و به سوی آینده‌ای روشن حرکت می‌کنند.

#### منابع:

- 1- قیام شیخ محمد خیابانی در تبریز، علی آذری، چاپ چهارم، تهران، 1362.
- 2- قیام آذربایجان و ستارخان، اسماعیل امیرخیزی، تبریز، 1339.
- 3- شیخ محمد خیابانی خروش حماسه‌ها، مصطفی قلیزاده، تهران، 1372.
- 4- شرح حال و اقدامات شیخ محمد خیابانی، به قلم جمعی از دوستان شیخ شهید، چاپ برلین، 1304 ش.
- 5- تاریخ هیجده ساله آذربایجان، احمد کسروی، ج 2.
- 6- تاریخ بیست ساله ایران، حسین مکی، ج 2، ص 34-42.